



بیت کوین از نظر قواعد فقه اسلام

زینب عباس پور*^۱، محبوبه حسنی^۲، حسینعلی قاسم پور^۳

۱- هیات علمی دانشگاه پیام نور مازندران

۲- مدرس دانشگاه پیام نور مازندران

۳- کارشناس امتحانات و مدرس دانشگاه پیام نور مازندران

*- ایمیل نویسنده مسئول Z.abbaspor60@yahoo.com

خلاصه

بیت کوین نوعی پول مجازی است که اولین نظام پرداخت دیجیتال کاملاً غیر متمرکز جهان و بدون نیاز به بانک بانک های مرکزی است و به عنوان یک روش مجاز برای پرداخت مورد پذیرش قرار می گیرد. با رشد بیت کوین و افزایش کاربران، ابزارهای مالی جدید در خصوص بیت کوین به کار گرفته شد. و مهمترین مسئله در خصوص مشروعیت پول های مجازی، پذیرش و ورود آن به دنیای حقیقی و عدم کنترل روی این نوع پول ها از سوی حاکمیت ها می باشد.

به عقیده برخی از فقها و حقوق دانان بیت کوین نوعی مال اعتباری است. اما به استناد ادله ای مانند قاعده لاضرر، قاعده احترام، قاعده اتلاف و قاعده مصلحت و غیره که همگی ناهی سیاست های غلط پولی و تغییر ضروری در حجم پول هستند. این قواعد فقه که بیشتر ناظر به فقه حکومتی است، می توان نهادیه شدن بیت کوین در سیستم مالی کشور را از نظر شرعی دچار اشکال کرد.

کلمات کلیدی: امنیت، بیت کوین، پول بی پشتوانه، پول مجازی، قواعد فقه.

۱. بیان مسئله

بیت کوین نوعی پول مجازی است که متکی بر اصول رمز گذاری برای معتبر ساختن تراکنش ها است، در حالی که سیستم کنترل کننده متمرکز ندارد و از طریق هیچ سازمان یا نهاد دولتی اداره نمی شود. در واقع بیت کوین اولین نظام پرداخت دیجیتال کاملاً غیر متمرکز جهان و بدون نیاز به بانک و بانک های مرکزی است. خالقان بیت کوین تونسته اند آن را در مدت کوتاهی از یک ایده به یک واقعیت اثر گذار بر دنیای اقتصاد و مراکز سیاست پژوهی مبدل کنند: به طوری که به سرعت در فضای مجازی فراگیر شده، به کاربران این امکان را می دهد بدون هیچ واسطه ای انتقال پول غیر قابل بازگشت انجام دهند. در چند سال گذشته ارزش بیت کوین در بازارهای جهانی از چند صدم دلار به چند هزار دلار افزایش یافته و توانسته است به سرعت جایگاه خوبی در بسیاری از کشورهای مختلف از جمله ژاپن، آمریکا و کره جنوبی کسب نماید و به عنوان یک روش مجاز برای پرداخت ها مورد پذیرش قرار گیرد. با رشد بیت کوین و افزایش کاربران، ابزارهای مالی جدید در خصوص بیت کوین به کار گرفته شد و در سال ۲۰۱۰ قرارداد فروش استقرای و نیز قراردادهای اختیار خرید و فروش بین کاربران شکل گرفت.

مهم ترین مسئله در خصوص مشروعیت پول های مجازی، پذیرش و ورود آن به دنیای حقیقی و عدم کنترل روی این نوع پول ها از سوی حاکمیت ها است. لذا مجادلات و مناقشات بسطی در خصوص ماهیت پول های مجازی از زمان بدو پیدایش این پول ها وجود داشته است: به طوری که فهم دقیق پول تاکنون محل مناقشه صاحب نظران اقتصادی و مالی، حقوقی و فقیهان بوده است و نیز تشت آرا در باب تعهدات پولی، ناشی از ابهام در ماهیت پول است و از سوی دیگر در نظام اسلامی، بخشی از ساز کار سایر حوزه ها، از جمله اقتصاد، بر مبنای احکام فقهی و شرعی شکل می گیرد و سایر مقولات در این فضا نیز نیازمند احکام فقهی و شرعی مرتبط با خود است تا بتوان با به حداقل رساندن مخاطرات، حداکثر استفاده را نمود.



مقاله حاضر بر این دیدگاه استوار است اگر چه بیت کوین از منظر کارکردها اقتصادی و حقوقی می تواند وظایفی همانند پول قانونی را ایفا نماید. بنابراین، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که اولاً: آیا بیت کوین مال است؟ ثانیاً: جایگاه بیت کوین از منظر قواعد فقهی چگونه است؟

۲. تعاریف

۲-۱. شناخت بیت کوین

بیت کوین در واقع یک نوآوری اینترنتی با کارکردهای مشابه (پول بی پشتوانه) یا پول حکومتی است که یک وسیله برای نقل و انتقال یا ذخیره ارزش محسوب می گردد. تراکنش فوری و بدون واسطه، پرداخت جهانی، کارمزد بسیار پایین و بی تاثیری تحریم بر باز کردن حساب بیت کوین، از ویژگی های این پول است.

به عنوان یک کاربر جدید با نصب یک کیف پول بیت کوینی روی کامپیوتر یا گوشی تلفن همراه، اولین آدرس بیت کوینی کاربر تولید می شود و میتوان با آن شروع به کار با بیت کوین نمود. مبانی اصلی سیستم بیت کوین عبارتند از: ۱- بلوک بیت کوین ۲- زنجیره بیت کوین ۳- استخراج بیت کوین ۴- کیف بیت کوین.^۱

۲-۲. تعریف امنیت

امنیت از حیث لغوی برابر نهاد security و ((الامن)) و ((الامان)) است. در زبان فارسی به ((ایمن شدن)) ((در امان بودن)) و ((بی بیمی)) تعریف شده در زبان عربی مشتقات متفاوتی از آن ارائه شده که بر محور معنای ((اطمینان)) ((در امن بودن)) ((ضمانت و محافظت)) ((حمایت)) ((مورد اعتماد و اطمینان)) قرار دارند.

در زبان انگلیسی نیز این مفهوم از واژه لاتین مشتق شده که به معنای رهایی از ترس یا نگرانی، امان، اطمینان، حفاظت و صیانت به کار رفته است. آنچه در این کاربردها در خور توجه می نمایاند شباهت معافی لغوی امنیت در زبانهای گوناگون است که حکایت از وجود مدلول مشابهی در نزد زبان شناسان مختلف از واژه امنیت دارد.

اما بر خلاف معنای لغوی، معنای اصطلاحی این واژه دارای تعاریف بسیار متفاوت و گاه متعارضی است به گونه ای که در یک بررسی اجمالی، در چند سال پیش، بیش از ۱۵۰ تعریف متفاوت از این واژه یافت شده است.^۲

۲-۳. بیت کوین مال است؟

در تعریفی که از مال آمده و البته حاوی دور است، آمده است: ((المال ما یبذل بازائه المال)) و مرحوم علامه طباطبایی در تعریف آن آورده است: چیزی که مورد توجه انسان قرار گیرد و انسان بخواهد مالک آن شود.

مرحوم دکتر گرجی نیز معتقد است: به دلیل منافع واقعی یا اعتباری عقلا به آن رغبت داشته، در مقابل آن نقد یا چیز دیگری پرداخت می کنند. امام خمینی نیز مال را چیزی دانسته است که متقاضی داشته باشد و عقلا بدان رغبت و تمایل داشته باشند. از بین همه تعاریف، تعریفی که شیخ طوسی در خصوص مال داشته است، بیش از سایر تعاریف ما را به مشروعیت پول مجازی رهنمون می سازد: هر جنسی که در عرف مال محسوب می شود مالیت دارد، اعم از آنکه اصلش مباح بوده یا نباشد. اکنون با توجه به مبانی فقها در مال بودن یک چیز، می توان به این نتیجه رسید که بیت کوین مال است و میتواند در ازای معوضی قرار گیرد. در امور معاملی و معاوضی، عوض در قبال معوض تادیه می شود و بنابراین دو نفر که دارای اهلیت کامل باشند، می

^۱ سید حسینی، میر میثم، بیت کوین نخستین پول مجازی، ماهنامه بازار سرمایه ایران، شماره های ۱۱۴ و ۱۱۵، ص ۸۵.

^۲ البته لازم به ذکر است که بخشی از این تکثر تعاریف ناشی از اختلاف برداشت از اصطلاح امنیت است و بخش دیگر ناشی از توسعه مفهومی واژه امنیت آن گونه که باری بوزان بیان داشته است به این معنا که هنوز پردازش نظری در خصوص حوزه معنایی این واژه ادامه دارد.



توانند مالکیت خود را اعم از عین و منافع در قالب عقود معین و یا غیر معین و صرف تراضی مبادله نمایند. معوض ممکن است کالا، خدمت یا هر چیزی که در نزد عقلا مرغوب باشد بوده، اما به اصل اولی باید بین عوض و معوض تعادل و توازن داشته باشد؛ در جامعه عقلایی از بدو تاکنون با رشد مدنیت معاوضه از کالی به کالی در قبال ثمن ارتقا یافت، تا جایی که ثمن از نقدین (طلا و نقره) تغییر و کما یافت و در چرخه تکامل شاهد انتشار اسکناس و سایر اوراق بهادار براساس پشتوانه طلا، نقره و اکنون سایر پشتوانه های دیگر شده ایم.

در مرحله ای تکاملی، انتشار اسکناس در دستور کار دولت های مرکزی و مستقل قرار گرفت و در برهه ای دیگر اتحادیه اروپا اقدام به انتشار پول مشترک به نام یورو نموده است؛ در حالی که اقدام اخیر با تعریف بدوی پول و روش های انتشار آن بعید و غیر متعارف به نظر می رسد، اما در حال حاضر به عنوان ارزی مطرح و قابل اتکاتر شناخته شده، تا جایی که سیاست گذاران اقتصادی ایران را بارها به تبادل های خارجی با این ارز خارجی ترغیب و وسوسه نموده است.

اکنون با ظهور دنیای مجازی و تغییر فضا، اقتضائات و مناسبت های آن در جوامع عقلایی و در مدنیت مدرن، در محیط مجازی فعل و ترک فعل تا جایی به رسمیت شناخته شده است که علاوه بر لزوم پلیس سایبری، نیاز به تعریف جرم و به تبع آن مجازات در این محیط شده ایم. در این محیط پول یا عوض باید مطابق اقتضائات آن تعریف، انتشار، تبادل و قبض و اقباض شود؛ بنابراین، ارزش های اقتصادی این محیط که عندالعقلا مرغوب باشند، در این فضا در قبال ارزش دیگری تبادل و معامله توازنی را برقرار می کند و نهایتا داد و ستد می شوند.

۴-۲. آیا بیت کوین دارایی است؟

همان طور که در مباحث موضوع شناسی پول مجازی و بیت کوین مطرح شد، نمی توان بیت کوین را به طور رسمی یک پول و ارز دیجیتال قلمداد نمود چرا که علی رغم داشتن برخی از ویژگی های پول، همچنان فاقد کارکردها و خصوصیات اصلی پول اعتباری است و لذا روی تسامح می توان آن را پول مجازی نامید.

بنابراین آن چه بیشتر با بیت کوین سازگار می باشد، این است که آن را یک نوع دارایی دیجیتال بدانیم که مبتنی بر اطلاعات و داده است. به بیان دیگر نوعی دارایی غیر فیزیکی است که نزد جامعه مالیت و ارزش پیدا کرده است و حاضرند برای به دست آوردن آن هزینه نمایند اگر چه ممکن است از این دارایی در مواردی هم به عنوان مبنای مبادله استفاده نمایند که این خصوصیت منحصر به بیت کوین نخواهد بود و می تواند در مورد هر دارایی با ارزشی تحقق پیدا کند.

مالیت، از نگاه فقها با دو شرط محقق می شود؛ یکی این که قابل انتفاع بوده و نزد عقلا دارای منفعت قابل توجهی باشد. دیگر این که شارع آن را حلال شمرده باشد. شرط دیگری که در کلام برخی از فقیهان به آن اشاره شده، این است که شی از فراوانی برخوردار نباشد به این معنا که به راحتی قابل دسترسی نبوده و به دست آوردن آن نیاز به انجام کاری یا ایجاد معامله ای باشد. به گونه ای که عقلا برای به دست آوردن آن از یکدیگر سبقت گرفته و با هم رقابت داشته باشند.

مال در فقه به این شرح تعریف شده است: ((المال مایذلل بازائه المال))؛ یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. ولی گروهی از فقها عقیده دارند که در این تعریف دور وجود دارد، زیرا در تعریف مال آمده است: مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می کند. بخشی از اموال مانند اغذیه و لباس مستقیما نیاز انسان ها را رفع میکنند و لذا مالیت و ارزش آن ها تکوینی و واقعی است، و دسته دیگر مستقیما رفع نیاز نمی کنند، ولی وسیله رفع نیاز هستند، مانند پول که به خودی خود رافع نیازی نیست، بلکه با اموال دیگر مبادله می شود و به واسطه آن ها رفع نیاز می کنند و ارزش اعتباری دارد.

حضرت امام (ره) در تعریف مال می فرمایند ((مال تنها، آن چیزی است که مورد رغبت عقلا باشد و از سوی آنان تقاضا گردد به نحوی که حاضر به پرداخت عوض و قیمتی رد در برابر آن باشند)).



مال در اصطلاح حقوقی چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد؛ یعنی بتوان مورد داد و ستد قرار گیرد. از منظر فقهی معمولاً مال به اعتبار وجود آن در خارج به سه قسم تقسیم می‌شود: ۱- عین ۲- منفعت ۳- حق این اقسام در بیان حضرت امام (ره) این چنین آمده است که: ((در صورتی که شرط گردد که مبیع و مال مورد معامله در بیع، عین باشد، منظور از عین، همان مفهومی است که در برابر منفعت و حق قرار دارد)). عین به مالی گفته می‌شود که از اشیا خارجی به دست می‌آید. مال بودن منفعت در میان فقها، محل اختلاف است. برخی از آنان، منفعت را از اقسام مال شمرده‌اند در حالی که برخی دیگر مال را در کنار منفعت ذکر کرده و حکم واحدی را بر آن‌ها بیان کرده‌اند. حق: فقها در بیان معنای اصطلاحی حق اختلاف نظر دارند. برخی آن را به ((سلطنت برشی)) تعبیر کرده و آن را مرتبه ضعیفی از ملکیت بر شمرده‌اند. برخی نیز حق را نوعی ((ملک)) می‌دانند. گروهی نیز بر این باورند که حق، به طور مستقل از جانب شارع وضع شده و عبارت است از سلطنت بر غیر. پس می‌توان بیت کوین را از نوع مالی دانست که به شکل منفعت و خدمات در جامعه در جریان است. شایان ذکر است که با توجه به ابداع الگوریتم ریاضی که در شبکه بیت کوین برای انتقال وجوه در فرایند نظیر وجود دارد، می‌توان بیت کوین را نوعی دارایی فکری نیز دانست که مالیت و ارزش اقتصادی آن مورد قبول فقها نیز می‌باشد.

همانطور که پیش‌تر اشاره شد مال آن چیزی است که ارزش اقتصادی دارد و این مال لزوماً شیء مادی نیست بلکه حقوقی نیز که ارزش مادی داشته باشد، مال محسوب می‌شود. از این رو حق مخترع و مولف نسبت به آثار خود نیز مال محسوب می‌گردد و قابلیت تقویم و ارزش گذاری دارد. در نتیجه علی‌رغم تقسیم سنتی حقوق به حقوق عینی و حقوق دینی، شاخه سومی را نیز می‌توان تحت عنوان حقوق فکری بدان افزود. حقوقی که موضوع آن شیء مادی نبوده بلکه فعالیت فکری و معنوی دارنده آن را تحت پوشش قرار می‌دهد و به دارنده آن اجازه می‌دهد که از حق خود آن گونه که می‌خواهد استفاده کند.

به اعتقاد یکی از صاحب نظران، در عصر حاضر به دلیل تحولات فراوانی که روی داده است دیگر نمی‌توان حقوق مالی را بنا بر تعریف کلاسیک به حقوق عینی و دینی منحصر کرد بلکه حق دیگری نیز تحت عنوان حقوق معنوی مطرح است و از لحاظ انحصاری بودن با مالکیت شباهت دارد اما برخلاف حقوق عینی موضوع آن شیء مادی نیست. مثل حق مولف بر نوشته هایش. لذا میتوان حق مالی را به سه دسته عینی، دینی و معنوی تقسیم کرد.

۵-۲. موارد جریان قواعد فقهی

قبل از بیان موارد جریان قواعد فقهی ذکر یک مقدمه ضروری است و آن، این که شبهه بر دو قسم است: شبهه حکمی و شبهه موضوعیه. الف. شبهه حکمی: هرگاه حکم یک موضوع معلوم نباشد و لازم باشد که از طرف شارع آن حکم مشخص شود، به آن شبهه حکمی گویند. مانند؛ بیت کوین (پولهای رمزگذاری شده) از مسائل مستحدثه بوده و سابقه ای در صدر اسلام نداشته، طبعاً از حلال یا حرام بودن آن بی اطلاع هستیم، چنین شبهه ای را شبهه حکمی گویند.

ب. شبهه موضوعیه: هرگاه حکم موضوعی معلوم باشد، اما اصل موضوع مورد تردید قرار گیرد، به آن شبهه موضوعیه گویند. بدون تردید، قواعد فقهی در شبهات موضوعیه جاری است و در مورد شبهات حکمی بین فقها اختلاف است. آیه الله خوئی معتقد است چون نتایج قواعد فقهیه نوعاً احکام جزئی و شخصی است پس قواعد فقهی صرفاً در شبهات موضوعیه جاری است و در شبهات حکمی جاری نیست. و از کلام شهید صدر، پس از ایرادی که به کلام مرحوم خوئی وارد می‌کند، فهمیده می‌شود که شهید صدر قواعد فقهیه را هم در شبهات حکمی و هم شبهات موضوعیه جاری می‌داند.^۳ برخی از فقها با مشروعیت پول مجازی مخالفت داشته، به دلایل آتی آن را فاقد مشروعیت می‌دانند. برخی از باب حکم اولی و برخی از باب مصلحت و گروهی دیگر به دلیل اخلال در نظام اقتصادی و بعضی آن را اکل مال به باطل تلقی نموده‌اند. اکنون با طرح مبانی مختلف به بررسی و نقد آرای ایشان ایشان اهتمام می‌شود.

^۳ محاضرات فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۰؛ و الصحیح انه لاشی من القواعد الفقهیه تجری فی الشبهات الحمیة.

^۴ قواعد فقه، لطفی، ص ۱۳، به نقل از: بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۲۳.



۱-۵-۲. عدم مشروعیت بیت کوین به علت اخلال در نظم و از باب حکم ثانوی

یکی از مسائل ضروری فقه، لزوم حفظ نظام و جلوگیری از اختلال نظام زندگی مسلمین است. فقها این اصل را (حفظ نظام) به عنوان یک قاعده عقلی و ضروری تا آنجا مسلم تلقی نموده اند که در بسیاری از موارد به خاطر حفظ این دست از احکام اولیه برداشته و به احکام ثانوی فتوا داده اند. لذا با عنایت به معایب بیت کوین مانند مشکلات امنیتی، تسهیل جرایم امنیتی، فرار مالیاتی و پول شویی که موجب اختلال نظام اقتصادی و حتی سیاسی جامعه خواهد شد، مصلحت اقتضا می کند که حاکم اسلامی تا به سازمان رسیدن تولید و جریان این شکل از پول، از ورود آن به اقتصاد واقعی جلوگیری کند.

۲-۵-۲. عدم مشروعیت بیت کوین از باب تضييع اموال و خلاف مصلحت

در اظهار نظری که از سوی یکی از محققان مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار به عمل آمده، بدین شرح استدلال شده است: به استناد ادله ای مانند قاعده لاضرر، قاعده احترام، قاعده و قاعده مصلحت که همگی ناهی سیاست های غلط پولی و تغییر ضروری در حجم پول هستند، مقتضی است تا زمانی که از طرف حاکمیت برای کنترل پول های مجازی در اقتصاد واقعی ترتیب داده نشده است، از ورود مشروعیت پول های مجازی در دنیای حقیقی جلوگیری گردد. حیات این پول ها در جوامع مجازی خود بی آنکه تاثیر گذار در نظم پول واقعی شود، با اشکالی مواجه نخواهد بود و مشروع است اما اگر ورود این به اصطلاح پول های مجازی به دنیای حقیقی به پدیده های چون تغییر حجم پول، تضييع اموال غیر و پدیده های خلاف مصلحتی چون ارز و تسهیل جرایم بینجامد، به استناد این قواعد فقه که بیشتر ناظر به فقه حکومتی است، می توان نهادینه شدن بیت کوین در سیستم مالی کشور را از نظر شرعی دچار مشکل دانست.

پرسش: حکم معاملات بیت کوین (ارز دیجیتال) چیست؟

الف) آیت الله العظمی مکارم شیرازی: با توجه به ابهامات زیادی که بیت کوین دارد معامله آن اشکال دارد.

ب) آیت الله العظمی وحید خراسانی: خرید و فروش آن باطل است.

ج) آیت الله العظمی شبیری زنجانی: چنانچه استفاده از این گونه ارزها نوعا مفسده اقتصادی داشته یا خلاف قانون باشد، خرید و فروش آن اشکال دارد.

لکن ایشان در استفتای دیگری فرموده اند: اگر اعتبار دریافتی در مقابل کار حلال داده شود و خلاف قانون نباشد، اشکال شرعی ندارد. همان گونه که ملاحظه شد، در پرسش ها و برخی پاسخ ها به استثنای اسفندی اخیر هیچ کدام از منظر اصل اولی موضوع را مورد کنکاش قرار نداده و صرفا با بیم از مشکلات، اولی با تمسک به مصلحت و موردی نیز به صورت مشروط با احاله به رفع مشکل مخالفت و مالا موافقت خود را تبیین کرده اند.

۳. قاعده الغرور

این قاعده به این معنا است که اگر از شخصی کار یا کلامی صادر شود که باعث فریب و در نتیجه ضرر دیگری شود، فرد غار مسئول خواهد بود. با اینکه بحث غرور معمولا در کتاب نکاح مطرح شده است اما برخی فقهای متأخر عقیده دارند که این قاعده، قاعده ای عام و فراگیر است و در همه ابواب فقه جریان دارد. نامشخص بودن وضعیت بیت کوین و خطر پذیری فوق العاده آن (بر فرض اثبات) ممکن است دلیلی برای غرری بودن آن و در نتیجه بطلان معاملات صورت پذیرفته در این مقوله باشد.

از قاعده غرر اشتراط علم به وجود عوضین و وثوق به آن آشکار می شود و در صورت غرر، بیع باطل می گردد و اجماع فقها بر فساد بیع غرری است. از عبارت فقها استنباط می شود که خطر داخل در معامله غرری است و خطر عبارت است از: احتمال ضرری که عقلا از آن پرهیزی کنند، نه احتمال ضعیفی که معمولا مردم به آن اعتنا نمی کنند. یکی دیگر از مواردی که لازم است در مسئله بیت کوین مورد بررسی قرار گیرد، غرری بودن آن است. بیع غرری یعنی بیع چیزی که ظاهرش مشتری را گول زند و باطن آن مجهول باشد. غرر در لغت به معنای خطر داشتن یا در معرض هلاکت و از بین رفتن است. چنین بیعی به اتفاق فقهای شیعه و اهل تسنن، باطل است. از آنجا که بازار بیت کوین نوسانات قابل توجهی داشته است، برخی کارشناسان قیمت گذاری بیت کوین را غیر عقلایی و مبادلات آن را غرری دانسته اند. اما در مقابل، بسیاری از کارشناسان این نوسانات شدید را توجیه کرده و آن را یک



مسئله عقلایی و ناشی از عرضه و تقاضای بازار دانسته اند. گذشته از آن که گفته می شود زمانی که بیت کوین به عنوان ارز مرجع قرار بگیرد، دیگر از این نوسانات خبری نخواهد بود.

به هر حال نامشخص بودن وضعیت بیت کوین و خطر پذیری فوق العاده آن (بر فرض اثبات) ممکن است دلیلی برای غرری بودن آن و در نتیجه بطلان معاملات صورت پذیرفته در این مقوله باشد.

به نظر می رسد این ارز برای متخصصان حوزه خود شناخته شده باشد و اقدامات آنان مواجه با خطری که عقلا از آن پرهیز می کنند، بنابراین مانند هر ارز دیگر خارجی محکم است دارای نوسانات مختلف در شرایطی باشد و اساساً خطری محسوب نمی شود و کسانی که با تمسک به این قاعده تلاش در بطلان مبادلات بیت کوین داشته اند، نمی تواند مبنای قرار گیرد و عموماً اصول صحت و تراضی آن چنان که در بخش آتی خواهد آمد، با اتقان بیشتری استواری این قبیل تبادل را مشروعیت بخشی می نمایند.

۴. قاعده اتلاف

این قاعده نیز از قواعد مشهور فقهی و یکی از مهم ترین قواعد در باب ضمان قهری استو به این معنا است که هر کس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند ضامن صاحب مال است این قاعده را در واقع می توان نوعی ضمانت اجرا برای قاعده احترام و قاعده لاضرر دانست به این معنا که هر کس حرمت مال دیگری را پاس ندارد و بدین خاطر آن مال تلف شود، باید از عهده جبران خسارت او بر آید. ماده ۳۲۸ قانون مدنی: ((هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل و یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است)). می دانیم بیت کوین پول رمزگذاری شده و یک سری فرمول های ریاضی است و افرادی که فعل مبادله را انجام می دهند معلوم نیستند و اگر یک طرف بتواند بیت کوین از طرف یا طرف های دیگر برآید چگونه می توان غاصب را شناسایی و بحث از عهده جبران خسارت بر آمدن وی و ضمان قهری مطرح نمود. پس قاعده اتلاف دلیل دیگر ورود اشکال استفاده از بیت کوین در معاملات تجاری است.

۵. قاعده اقدام

با توجه به حکم شرعی که مراجع معظم و متولیان اقتصادی در خصوص مجهول بودن هویت بیت کوین برای بانک مرکزی بیان می شود اگر کسی اقدام به معامله با بیت کوین نماید بر مبنای قاعده اقدام عمل کرده زیرا قاعده اقدام به این معنا است که هر کس به ضرر خود نسبت به مال خود اقدام می کند، در مورد اقدام وی به نفع او ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد و نیز هرگاه شخصی با توجه و آگاهی، عملی را انجام دهد که موجب ورود زیان توسط دیگران گردد، وارد کننده زیان، مسئول خسارت نخواهد بود. به گفته برخی از فقه ها صاحب مال وقتی احترام مالش را ساقط کند و در مقابل آن، طالب عوض نباشد، این مال ضمان آور نیست

۶. قاعده لاضرر

(لاضرر ولاضرار فی الاسلام) در خصوص مفهوم قاعده اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. اما با توجه به این قاعده، ضرر در اسلام مشروعیت ندارد به این معنا که در اسلام نه حکم ضرر وضع می شود و نه باید کسی به کسی دیگر ضرری وارد سازد.

به عقیده علامه محمد تقی جعفری (رسائل فقهی، ص ۱۰۰) یکی از علل چهارگانه تحقق ضرر، ضرر ناشی از خود انسان ها به همدیگر است، زیرا ضررهای وارده از ناحیه افراد انسانی به یکدیگر با توجه به سود و منفعتها انجام میگیرد و هر جا کلمه ((ضرر)) استعمال می شود به معنا ضرر مالی و جانی آمده است (قاعده فقهی عیسی ولایی، ص ۶۰)



شیخ مرتضی انصاری می گوید ((لا)) در جمله ((لاضرر)) لای نفی جنس حقیقی نیست ، بلکه باید کلمه ی را در تقدیر گرفت و آن کلمه (حکم) است. پس جمله در واقع ، چنین است ((لاحکم ضرری)) یعنی حکم ضرر در اسلام نیست و جعل نشده است . مرحوم آخوند خراسانی به نفی حکم ضرری به لسان و در قالب نفی موضوع است. یعنی نیازی به تقدیر گرفت کلمه (حکم) نداریم بلکه جمله (لا ضرر) نفی حکم به لسان به موضوع است. یعنی وقتی گفته می شود بیع لازم است بیع (موضوع) و لزوم (حکم) است. آخوند خراسانی می گوید: موضوعاتی مانند بیع احکامی مانند وجوب و لزوم دارند که اگر این احکام به صورت عناوین اولیه موجب ضرر باشند، احکام آنها برداشته می شود پس اگر بیع باعث ضرر گردد ، حکمش که همان لزوم است برداشته می شود بنابراین در کلام پیامبر نفی حکم شده، اما به لسان نفی موضوع.

بنابراین شیخ انصاری معتقد است هر حکمی از شارع و قانونگذار صادر شده و مستلزم ضرر باشد آن حکم مرفوع است. پس اگر معامله صورت گرفته که در معامله خریدار مغبون گردیده که در این صورت اگر این معامله را لازم بدانیم موجب ضرر مغبون است پس این لزوم منتفی است . و یا ضرر ناشی از متعلق حکم باشد مثل وضوی که موجب ضرر است لذا وجوب منتفی است .

در باب این قاعده به فرد این اطمینان را می دهد که دیگران حق تعرض به امنیت اقتصادی او و اضرار نسبت به او را ندارند؛ اما جهت و جنبه دیگر این قاعده که در این جا مورد توجه است، این است که این قاعده ، به افراد، این بیم را می دهد که اختیار و آزادی اقتصادی شان مطلق العنان نیست و ان ها نمی توانند به بهانه داشتن آزادی و سلطنت در امور اقتصادی ، به دیگران ضرری را وارد سازند؛ توجه به این نکته نیز مفید فایده است که این منع اضرار به غیر هم می تواند اضرار به افرادی دیگر را شامل شود و هم اضرار را و لذا محدودیت های در موضوع استفاده از بیت کوین مطرح می شود. را می توان با قاعده ممنوعیت اضرار به جامعه توجیه نمود.

۷. قاعده نفی سبیل

(ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا) سومین قاعده ای که آزادی و اختیار اقتصادی افراد را هدف قرار داده و آن را محدود می کند قاعده نفی سبیل است . این قاعده به این معنا است که هر عملی که سبب شود که دشمنان دین و یا غیر مسلمانان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان پیدا کنند حرام است و نیز برای اطلاعات بیشتر بنابراین هیچ فردی نمی تواند به بهانه آزادی اقتصادی و حمایت اسلام از سلطه و مالکیت او ، امنیت اقتصادی کل جامعه اسلامی را نادیده گرفته و برخلاف مصالح جامعه مسلمین اقدام نماید.

شیخ انصاری این قاعده را در تعارض با عموم ادله صحت بیع و وجوب وفا به عقده و اکل مال عن تراض و نیز عموم و الناس مسلطون علی اموالهم دانسته است.

۸. قاعده حفظ نظام

این قاعده نیز می تواند یکی از محدودیت های آزادی اقتصادی افراد تلقی و امنیت اقتصادی ان ها را مقید به دیگر ابعاد و سطوح امنیت نماید. این قاعده که در کتب فقهی از قاعده اختلال هم از آن یاد شده است به این معنا است که هر عملی که موجب اختلال در زندگی انسان ها و سستی معیشت آن ها و جامعه شان شود ممنوع است و هر عملی که موجب حفظ این نظام شود نیز واجب و لازم می باشد..

بر این اساس، قاعده حفظ نظام از دو جنبه می تواند امنیت اقتصادی افراد را تحت تاثیر قرار دهد؛ یک جهت اینکه این قاعده می تواند افراد را از تصرف و تسلط ((مطلق)) بر اموالشان منع نماید و تنها برخی از جلوه های ((تسلط)) مالک بر اموالش را مجاز بداند و جهت دیگر آن که این قاعده می تواند افراد را بر خلاف میل و رضایت قلبی به کاری وادار نماید که از آن تحت عنوان واجبات کفای سخن به میان می رود. به عنوان مثال اگر حیات عادی جامعه متوقف بر استمرار برخی مشاغل باشد و در مقطعی این مشاغل بدون متصدی بماند بر همگان واجب است تا این مشاغل را به دست گیرند تا انتظام جامعه همچنان برقرار بماند. این امر هر چند با قاعده سلطنت مغایر است و آن را محدود و نقض می کند اما وجود یک مصلحت بزرگ تر اقتضا می کند که این



اصل و حکم اولیه دچار تعدیل گردد. در عین حال حفظ حقوق فردی و احترام به مالکیت افراد اقتضای آن را دارد که در قبال الزام به چنین مشاغلی از طریق مکانیسم ((واجب کفایی)) تا حد امکان از اثرات جانبی و خارجی این الزام بکاهیم و کار آن ها را محترم داشته و ما به ازای معقول و منصفانه ای در قبال کار آن ها در نظر بگیریم. بسیاری از فقها با دقت به این نکته و با استناد به حرمت کار مسلمان، قائل به جواز اخذ اجرت در چنین کارهایی شده اند.

۹. قاعده احترام مال

برخی عقیده دارند بیت کوین را میتوان مال فرض کرد، با پذیرش این فرضیه می توان به قاعده احترام استناد نمود. از قواعد کلیدی، پرکاربرد و عام در حوزه مسائل اقتصاد اسلامی، قاعده احترام است. مقصود از این قاعده، این است که مال مسلمان و نیز ثمره کار او باید از تصرف مجانی و تعدی مضمون باشد.

از رسول الله خدا(ص) روایت است که حرمت مال مسلم مانند حرمت خون او است و این نشان می دهد که بعد از امنیت جانی، امنیت مالی مسلمان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. تفاوت قاعده احترام با قاعده اتلاف در این است که قاعده احترام، وظیفه مکلفین را قبل از تصرف بیان می کند و قاعده اتلاف وظیفه بعد از تصرف عدوانی را بیان می کند؛ اما برخی از فقها متذکر این نکته نیز شده اند که احترام مال مسلمان از دو جنبه است؛ یکی از این جهت است که متعلق این مال، فرد محترم است و دیگر از این جهت که خود مال، محترم است و لذا نباید هدر رود ولی از اشکالات کوین آن است که طرفین مبادله کننده هویتشان معلوم نیست و ممکن است به راحتی کل سرمایه را از دست بدهند. لذا امنیت اقتصادی در بیت کوین وجود ندارد.

۱۰. قاعده و وجوب التخلیه بین المال و مالک

در فرضی که بیت کوین را مال بدانیم، براساس این قاعده نیز که از جهتی به قاعده احترام بازگشت پیدا می کنند به این معناست که اگر فردی به هر نحو بر مال دیگری بدون اذن و رضایت او استیلا پیدا کند واجب است از تصرف در آن اجتناب و از آن رفع ید نماید تا مالک بتواند در مال خود تصرف مالکانه نماید.

۱۱. قاعده ید(قاعده سماع قول ذی الید)

این قاعده از قواعد مشهور فقهی است که در اکثر مسائل فقهی و حقوقی به طور وسیعی مورد استناد قرار میگیرد و محور بسیاری از معاملات روزمره است این قاعده به این معنا است که تصرف مالک گونه شخص در یک مال با شرایطی نشانه مالکیت متصرف نسبت به آن مال است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. وجه ناظر بر امنیت اقتصادی این قاعده در این است که اصل را بر مالک بودن متصرف یک مال قرار داده و او را از اثبات مالکیت خویش بر اموالی که در دست اوست بی نیاز می کند..

در اهمیت این قاعده همین بس که در روایت مستند این قاعده، امام صادق(ع) اشاره می کنند که اگر چنین قاعده ای وجود نداشته باشد بازار مسلمین پابرجا نمی ماند و نظام اقتصادی و بازرگانی جامعه دچار اختلال خواهد شد از اشکالات وارد بر بیت کوین این پول رمز گذاری شده است که اثبات مالکیت آن دشوار است.

۱۲. قاعده عدالت

تعریف عدالت کار آسانی نیست نه از آن رو که درست دریافت نمی شود زیرا که عدل و ظلم از مفاهیم بدیهی در حوزه عقل علمی است بسان وجود و عدم در حوزه عقل نظری بلکه بساطت مفهومی آن این امر را سبب می شود. تعریف های که اندیشمندان از عدالت ارائه کرده اند بیشتر تعریف به مصداق است. اسلام که عدالت اجتماعی را از مبادی اساسی برای شکل گیری خط مشی اقتصادی اش می داند آن را با مفهوم تجریدی مبنا قرار نداده و نیز به صورت باز بدان دعوت نکرده تا قابل هرگونه تفسیر باشد. همچنین آن را به جوامع انسانی که دیدگاه های متفاوتی پیرامون عدالت دارد و براساس



اندیشه و تلقی خویش از زندگی و حیاط آن را معنا می کند نیز واگذار نکرده است بلکه اسلام عدالت را یک سیاست گذاری و برنامه ریزی معین ارائه کرده که توانسته است پس از آن ایده را در واقعیتی زنده مجسم سازد واقعیتی که تمامی تار و پودش با مفهوم اسلامی عدالت عجین است. امام خمینی (ره) در مورد زیر بنا بودن عدالت در فقه اسلام می گویند: ((اجرای قوانین بر معیار عدل و جلوگیری از ستم ستمگران و حکومت جائزانه و بسط عدالت و فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج روی ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و خود کفایی و جلوگیری از استثمار و استبعاد حد و قصاص و تعزیرات بر نیروی عقل و عدل و انصاف و صداهای نمونه ی دیگر از این قبیل، چیزهای نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود این دعوا مشابه آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود)).

در همین راستا توضیح ناعادلانه ثروت از جمله تهدیدهای بیت کوین برای نظام اقتصاد اسلامی است چرا که در حال حاضر پیش از نیمی از حجم بازار این نوع پول متعلق به افراد معدودی است که در واقع سهام داران اصلی بیت کوین تلقی می شوند و از این طریق می تواند تحریم ها و تهدیدها و مخاطراتی را به اقتصاد کشورهای بیت کوین در آنان رواج یافته تحمیل نماید.

۱۳. نتیجه گیری

بنابراین با استناد ادله ای مانند قاعده لاضرر، قاعده احترام، قاعده اتلاف و قاعده مصلحت که همگی ناهمی سیاست های غلط پولی و تغییر ضروری در حجم پول هستند مقتضی است تا زمانی که سامانه از طرف حاکمیت برای کنترل پول های مجازی در اقتصاد واقعی ترتیب داده نشده است از ورود مشروعیت پول های مجازی در دنیای حقیقی جلوگیری گردد بی تردید حیات این پول ها در جوامع مجازی خود بی آنکه تاثیر گذار در نظم پول واقعی شود با اشکال مواجه نخواهد بود و مشروع است اما اگر ورود به اصطلاح، پول های مجازی به دنیای حقیقی به پدیده هایی چون تغییر حجم پول، تضییع اموال غیر و پدیده های خلاف مصلحتی چون خروج ارز و تسهیل جرایم بیانجامد، به استناد این قواعد فقه که بیشتر ناظر به فقه حکومتی است، می توان نهادینه شدن بیت کوین در سیستم مالی کشور را از نظر شرعی دچار اشکال دانست.

مراجع

- انصاری مرتضی فوائد الاصول جلد ۲ قم انتشارات مرکز جهانی علوم انسانی بی تا
- بجنوردی سید حسن القواعد الفقهیه جلد ۲ قم الهادی ۱۴۱۹
- شهیدی مهدی سقوط تعهدات تهران کانون وکلای مرکز ۱۳۷۳
- گرگی ابوالقاسم مقالات حقوقی تهران انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۹ مقاله
- توسلی محمد اسماعیل تحلیل ماهیت پول اقتصاد اسلامی شماره ۴۸
- سلطانی محمد ماهیت حقوقی پرداخت در پول الکترونیک پژوهشنامه حقوق اسلامی سال شانزدهم بها و تابستان ۱۳۹۴
- سلیمانی پور محمد مهدی بررسی فقهی پول مجازی فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۲
- سید حسینی میر میثم بیت کوین نخستین پول مجازی، ماهنامه بازار سرمایه ایران، شماره های ۱۱۴ و ۱۱۵.
- عبدی پور، ابراهیم، تحلیل حقوقی ماهیت پول الکترونیک، بهار تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۶.
- گزارش مرکز پژوهش های مجلس، سیاست گذاری کشورهای آمریکا، چین و آلمان در زمینه ابزارهای مالی دیجیتالی جدید مانند بیت کوین، شماره ۲۸۰۱۳۶۹۱.
- گزارش مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، بیت کوین و ماهیت مالی و فقهی، دی ماه ۱۳۹۶.
- گزارش مرکز پژوهش های مجلس بیت کوین ابزاری نوین در نظام پرداخت های الکترونیک، اردیبهشت ماه ۱۳۹۳، شماره ۱۷۱۳۶۱۷.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، نظر خواهی از فقهای پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول، تهران: مجله رهنمون، ۱۳۷۲، شماره ۶.



میرزا خانی، رضابیت کوین و ماهیت مالی و فقهی، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، دی ماه ۱۳۹۶.

بهشتی، سید مصطفی، مسئله ای خاص که هیچ فتوایی ندارد، سایت تبیان،

صدر، سید محمد باقر، البنك اللاربوی فی الاسلام، قم انتشارات دارالصدر، ۱۴۲۵.

پاورقی ها

در این رابطه می توان به قوانین ذیل اشاره کرد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۲۷۰ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، ماده ۷۸ قانون مجازات

جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

توضیح آنکه اسباب ضمان قهری با توجه ماده ۳۰۷ و فصل دوم قانون مدنی عبارت دانسته شده اند از غصب و اتلاف.